



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آزادیتهین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲
نمابر: ۸۸۸۸-۷۱۹
تلفن اکیه‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۱۸۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب
تلفن: ۲۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۵ اذان مغرب ۱۸:۱۲ اذان صبح فردا ۴:۳۳ طلوع آفتاب ۵:۵۶

پرسش از فرهنگ

کارکرد فرهنگی دروغ



ناصر فکوهی

■ در بررسی پدیده‌هایی که گاه به صورتی مترادف «رزش»، «عرف» یا «خلاق» نامیده می‌شوند، دغدغه اندیشمندان اجتماعی همواره آن بوده که بعد کارکردی را در آنها بیابند. هر چند کارکردگرایی به مثابه یک رویکرد نظری – روش شناختی مدت‌هاست که اعتبار خود را از دست داده، اما این به عبارتی بیشتر شامل انحصار نگاه به بعد کارکردی در امور اجتماعی می‌شود و نه عدم توجه کامل به این بعد. از این رو همیشه می‌توان در کنار ابعاد دیگر ذهنی و رفتاری بعد کارکردی را نیز مورد توجه قرار داد و مثلاً در همین پرسش از آن راه، به پدیده‌ای چون «دروغ» پرداخت. چرا آدم‌ها دروغ می‌گویند و چه سودی از این راه عایدشان می‌شود؟

بنابراین برای آنکه بتوانیم پاسخی نسبی به این پرسش بدهیم باید خود را به تعریفی تقلیل‌گرایانه همچون تعریف زیر محدود کنیم: «دروغ کنشی آگاهانه در سطح زبان یا گفتمان است که به منظور تحریف واقعیت به گونه‌ای که کنشگر آن را می‌شناسد و با منظور تأثیر گذاری خاص یا جلوگیری از تأثیری خاص بر مخاطب انجام گیرد.» این تعریف ما را به ناچار به سوی درنظر گرفتن دروغ، به مثابه یک آسیب اجتماعی پیش می‌برد، زیرا قاعدتا جامعه‌ای سازمان‌یافته و کمپویش به دور از تنش و آسیب‌های اجتماعی، نباید نیازی به دروغ گویی داشته باشد یا این نیاز باید بسیار اندک باشد. درست برعکس می‌توان نتیجه و گزارش‌های دیگر را نیز در اینجا مطرح کرد: «هنگامی که جامعه‌ای وارد فرآیندهای اتونیک یعنی ناهنجاری اجتماعی شده و در آنها به موقعیت‌های خطرناک‌تر و پر تنش‌تری می‌رسد، مثلاً سقوط اخلاقی، فقر، نابسامانی روابط بین نسلی و بین جنسیتی، سردرگمی و بحران هویتی و…» به همان میزان نیاز کنشگران به استفاده از دروغ به مثابه راهحلی ولو موقت برای کاهش تنش‌ها و ایجاد هماهنگی در رفتارها و ذهنیت‌ها نیز افزایش می‌یابد.» زمانی که چرچیل در آغاز جنگ جهانی دوم بر برابر پارلمان انگلستان و درواقع در برابر مردم انگلیس قرار گرفت، این جامعه توان آن را داشت که از او درباره جنگی که در پیش بود، بشنود: «برای شما، هیچ وعده‌ای جز خون، کار، اشک و رنج ندارم» و زمانی که جرج دبلیو بوش و تونی بلر پیش از حمله به عراق به دروغ اعلام کردند که این کشور یک تهدید امنی بافصل برای غرب به شمار می‌رود، به خوبی می‌دانست که دروغ می‌گوید، اما این را نیز می‌دانست که جامعه‌ای را نمایندگی می‌کند که این دروغ را می‌خواهد تا ولو غیرمستقیم و ولو ناخودآگاهانه به هدف دیگری برسد. امروز بسیار کمتر از آنچه تصور می‌شود ممکن است با دروغ در موقعیت «خاک» یا «پیچیده» آن روبه‌رو باشیم. بدین معنا که دروغ به سازوکاری در هم تنیده تبدیل می‌شود که در کنشگران اجتماعی درونی شده و در رسانه‌ها نهادینه می‌شود به صورتی که ممکن است در مجموعه‌ای نسبتاً بزرگ افراد و نهادها، به صورتی ناخودآگاه دایماً از آن به مثابه رابطاتی «طبیعی» و «بدیهی» میان یکدیگر استفاده کنند. چگونگی برخورد روزنامه‌ها و به ویژه روزنامه‌های موسوم به «زرد» با وقایع، از معروف‌ترین مصادیق این امر است. اگر در این منطق به پیش برویم و مسایل را از نزدیک و به شیوه‌ای عمیق‌تر تحلیل کنیم، خواهیم دید که همین روش می‌تواند حتی در بالاترین سطوح، آنجا که به نظر می‌رسد حقیقت باید اصلی مطلق باشد، مثلاً در حوزه علم و دانش نیز رایج است. تصور دانشمندان علوم طبیعی و حتی علوم انسانی نسبت به دانش خودشان و رابطاتی که این دانش با مردم عادی و دانش آنها دارد، اغلب تصویری دروغین است که سازوکارهایی دروغین را نیزحتی به صرب استفاده از ابزارهای هژمونیک به کار می‌اندارد تا بتوانند مقبولیت خود را بر کرسی نشاند. با این وصف، وجود سازوکارهای انتقادی، همواره می‌توانند، تأثیرهای مخرب دروغ سازمان یافته، خود آگاهانه یا ناخودآگاهانه را کاهش دهند. در این حال خطرناک‌ترین موقعیت‌ها در جوامعی مشاهده می‌شود که از یک سو به دلیل نابسامانی‌های اجتماعی، نیازی شدید به گسترش سازوکارهای دروغ یا رفتارهای شبیه به آن دارند و از طرف دیگر، به دلایل تاریخی، سیاسی و غیره سازوکارهای انتقادی و خشن‌کننده دروغ را نیز در خود به طور کامل یا جزئی از میان برده‌اند. فردی که از یک بیماری درمانک رنج می‌برد و باید درمان شود، ممکن است بتواند به خود دروغ بگوید و بیماری را به فراموشی بسپارد و نشانه‌های آن را به حساب هر چیز دیگری جز آن بیماری بگذارد، اما وجود پزشک و سازوکارهای بهداشتی، به مثابه ابزارهای انتقادی عمل می‌کنند، که وی را وامی‌دارند دروغ را کنار گذاشته، حقیقت را ببیند و خود را درمان کند، اما اگر چنین فردی در عین آنکه شدیداً بیمار است، پزشکان و سازوکارهای همراهی‌کننده آنها را نیز از میان ببرد، در حقیقت حکم مرگ خود را صادر کرده است.

رشت

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آزادیتهین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲
نمابر: ۸۸۸۸-۷۱۹
تلفن اکیه‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۱۸۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب
تلفن: ۲۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۵ اذان مغرب ۱۸:۱۲ اذان صبح فردا ۴:۳۳ طلوع آفتاب ۵:۵۶

روزنامه

سه‌شنبه ۵ مهر ۱۳۹۰
۲۸شوال ۱۴۳۲
۲۷ سپتامبر ۲۰۱۱
سال نهم
شماره پیاپی۱۳۵۲
شماره ۴۲۹ دوره جدید
۲۰صفحه

برداشت آخر

پایان ماتادورها در ساعت ۵ عصر

حمید جعفری

سال ۱۹۳۴ اسپانیا، یکسال از نگاشتن «عروسی خون» گذشته است و هسته اولیه «دنا رزیتا» شکل گرفته است و «فدریکو گارسیا لورکا» تراژدی «برما» را می‌نویسد. همین‌سال است که نگین شعر اسپانیا توسط «لورکا» سروده می‌شود؛ «هرثیه‌ای برای ایگناسیو سانچز مخیاس» سوگنامه‌ای که در تاریخ ادبیات جهان بی‌همتا است. شعری جادویی برای دوستی گلوباز که در میدان گلوبازی مرگ را در آغوش می‌کشد. در آن روزها که «لورکا» مرثیه‌ای برای یک گلوباز سرود ۲۰سال از افتتاح استادیوم گلوبازی مونویونیتال دو بارسلونا» می‌گذشت. حالا بعد از گذشت ۷۸سال از سروده «لورکا» و ۹۸سال از افتتاح استادیوم گلوبازی «لا مونویونیتال دو بارسلونا» موعد پلمپ آن رسیده است.

ایالت کاتالونیا به همراه باسک و گالیسیا و جزایر قناری مدت‌هاست که ساز جدایی از حکومت پادشاهی مستقر در مادرید را سر داده‌اند؛ آنقدر که دیگر کمتر کسی در خاطرش هست که تاریخ اسپانیا قبل از این جنگ‌های داخلی چطور نوشته شده بود. کاتالان‌ها نه تنها زبان که فرهنگ، سنت و حتی قوانین انحصاری خودشان را دارند. یکی از سنت‌های مرسوم کاتالونیا گلوبازی است. ماتادورها و طرفداران گلوبازی آن را هنر می‌دانند اما برای مدافعان حقوق حیوانات این مساله چیزی بیش از بربریت در دنیای مدرن نیست. کاتالونیا که پایتخت آن بارسلوناست، بعد از یکسال از مطرح کردن طرح ممنوعیت گاوسازی این قانون را تصویب کرد. به این ترتیب، بعد از دو دهه که از تصویب ممنوع شدن گلوبازی در جزایر قناری می‌گذرد، کاتالان‌ها هم باید در این سنت خلاف‌افطی کنند. درهای استادیوم گاوبازی «لا مونویونیتال دو بارسلونا» در شهر بارسلون برای همیشه بسته شد تا ماتادورها تا ابد در اسپانیا بیکار بمانند. قانون، قانون است… این هم قانونی که این بار نه پادشاه خوان بلکه پارلمان ا یالت

.....

دکه

«مدیریت ارتباطات» مهرماه منتشر شد

هفدهمین شماره ماهنامه مدیریت ارتباطات، مهر ۹۰ به صاحبانمیتازی و مدیرمسوولی امیرعباس تقی‌پور و سردبیری امیر لعلی با مطالب متنوعی در حوزه روابطعمومی، رسانه، تبلیغات، ارتباطات فرهنگی، جامعه‌اطلاعاتی واندیشه

منتشر شد. تقی‌پور در بخشی از سرمقاله این شماره ماهنامه با عنوان شش دلیل شیوع بیماری سرفت رسانه‌ای پرداخته است. در هفدهمین شماره‌ماهنامهمدیریت ارتباطات، ماجرای اخیر «فرودخانهگرس» از دیدگاه اخلاقی رسانه، مورد توجه نگین حسینی قرار گرفته است. محسن بیات نیز در صفحه نایث خود که به بررسی ارتباطات غیر کلامی اختصاص دارد، مطلبی با عنوان دست‌ها؛

پیشگامان زبان غیر کلامی را به رشته تحریر درآورده است. گفت‌وگوی ویژه‌هفدهمین شمار ماهنامهمدیریت ارتباطات با رضا تقی‌پور وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات انجام شده است. وی در این گفت‌وگوی صریح در پاسخ به یکی از پرسش‌ها گفته: «محتوای ایمیل‌ها را چک نمی‌کنیم» و



مدیریت ارتباطات که با مسوولیت سیدتی قلمای منتشر می‌شود، در این شماره با درک این اهمیت که شهروندان جامعه اطلاعاتی برای موفقیت در زیست اجتماعی خود، لازم است اصول و قواعد بهره‌گیری از رسانه‌ها را بیاموزند، می‌توانند مطالبی را مطالعه کنند.



جمال رحمتی

jamalrahmati@yahoo.com



چهارراه جهان

داستان جن‌گیر قذافی

.....

یوسف شاکر، که ۵۹ سال پیش در بنغازی به دنیا آمد، در اصل آلبانی تبار است. وقتی بخت عثمانی‌ها در شرق اروپا افول کرد، پدر بزرگش به لیبی کوچ کرد. یوسف شاکر در دانشگاه قاهره، سیاست و اقتصاد خواند و کمی هم با دانشجویان انقلابی و پیشرو هم‌نوا شد، بدون آنکه حتی در یک تظاهرات شرکت کند او در دانشگاه بنغازی آموزش‌یار علوم سیاسی شد و در سال ۱۹۷۹ از دیدخواه پنهان شد و بعد، سر از دانشگاه میسوری کلمبیا آورد و فوق‌لیسانس گرفت اما امسال در رسانه‌های لیبی دکتر خوانده شد. می‌گویند یوسف امین شاکر در آمریکا سه اتومبیل قسطی خرید و به ارزش ۳۰ هزار دلار از یک تاجر لیبیایی نیز جنس گرفت. او وقتی فشارهای مالی را نتوانست تحمل کند از آمریکا گریخت. بالاخره چاره را در آن دید که به بارگاه یا در واقع «جیمه و خرگاه قذافی» راه یابد. پس از ترانشیدن واسطه‌ها، روز موعود رسید. عبدالسلام زامده و عبدالله سنوسی دو نفر از سران امنیتی رژیم قذافی، با شرط و شروطی او را نزد رهبر لیبی بردند؛ مردی که از ابتدای سال جاری میلادی در قاهر، نقش «جیمه‌ساز» «هویت»، «جنگیر»، «بوق تبلیغاتی» و «جوکر قذافی» حیات درباری را تجربه کرده است و طبق شرط «چهار دست و پا و پارس‌کنن» وارد جیمه‌گاه رهبر لیبی شد تا این سخن را از زامده بشنود که به قذافی می‌گفت: «آقا قربان تان بروم، سگ سرگردانی است که پناه می‌جوید زانو می‌زند و توبه می‌کند.» او لیخند رضایت بر لب دیکتاتور دید و شنید که سرهنگ می‌فرماید: نه این آدم بشو نیست. اما یوسف شاکر طبق استاندارد رژیم زحلی خیلی هم «دم» شد. هرچند قذافی او را آن روز از خود راند. لیکن به قول

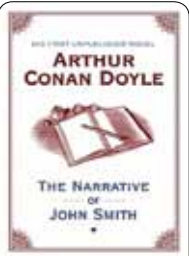
.....

۱۵۶هزار میلیارد ریال کسری یارانه نقدی

بود گزارش تفصیلی این ماده را هر شش ماه به دیوان محاسبات کشور و مجلس شورای اسلامی ارائه کند. در این گزارش به عدم پرداخت سهم تولید از محل درآمد ناشی از افزایش قیمت حامل‌های انرژی، استقراض ۵۰هزار میلیاردی ریالی از بانک مرکزی به عنوان تنخواه، افزایش رقم یارانه نقدی در مراحل سوم و چهارم بدون انجام محاسبات لازم برای کسب درآمدهای حاصل از هفتمندی یارانه‌ها و عدم تأمین کامل منابع نیاز این قلمن از اصلاح اصل قیمت حامل‌های انرژی اشاره شده‌است. کمیسیون ویژه در بخش دیگری از گزارش خود تأکید کرده است: در قانون بودجه سال ۹۰ در مجموع ۵۴۰هزار میلیارد ریال درآمد حاصل از اجرای قانون هفتمندی یارانه‌ها در نظر گرفته شده اما تاوجه به پرداخت نقدی حدود۵۴۰هزار تومان به حدود ۷۳ میلیون نفر در هر ماه در مجموع مبلغی حدود ۲۰۰هزار میلیارد را کل این منابع صرف پرداخت‌های نقدی می‌شود. نکته مهم در این گزارش آن است که در مراحل سوم و چهارم پرداخت نقدی یارانه‌ها یعنی در اردیبهشت و خردادماه ۱۳۹۰ ماهانه مبلغی حدود ۲هزار میلیارد ریال از محل

انتشار اولین رمان خالق «شرلوک هلمز» پس از ۱۲۷ سال

خبرآنلاین: اولین رمان سر آرتور کانن دوئل، خالق «شرلوک هلمز» که پیش از این منتشر نشده بود، به بازار آمد. این رمان «روایت جان اسمیت» نام دارد که از ۲۵سپتامبر در کتاب فروشی‌ها عرضه شد. این اثر بین‌سال‌های ۱۸۸۳ تا ۱۸۸۴ نوشته شد و شرح تفکرات و تصورات مردی است که به دلیل بیماری نفرس در اتاق خود حبس شده است. کانن دوئل این رمان را توسط پست برای ناشر فرستاد، اما بسته در راه گم شد و در نتیجه نویسنده، کتاب را دوباره با اتکا به حافظه خود نوشت. کانن دوئل هنگام نوشتن این رمان ۲۴ساله بود.



ابوعطا

اولین روز مدرسه را چه‌گونه گذراندید؟



هادی چپردار

■ البته واضح و مبهرن است که اولین روز مدرسه خیلی مهم می‌باشد. ما چند سال پیش در اولین روز مدرسه با پدیده‌های جالبی روبه‌رو شدیم که هنوز هم درگیرشان می‌شویم.

ما در اولین روز به وسیله بابای‌مان به مدرسه حمل شدیم و بابای‌مان گفت: «کرم... برو درس بخون که آدم بگردد و در آینده اقبال آسپیدپذیر نگردد و بیچونه هم نباش!» و یک فقره اردنگی زد و رفت. دم مدرسه پر بود: از بچه‌های ننه که گریه می‌کردندند و وقتی رفتم توی داخل حیاط، آقای ناظم را ملاحظه کرداندم که قدم می‌زد و سبیلش را می‌جوید و ما ترسیدیم و یاد امپرسیالیست جهان‌خوار و چیزهای ترسناکی که در تلوزیون شنیده بودیم، افتادیم. بعد آقای ناظم با صدایی که از مال بابای‌مان هم بلندتر بود به بچه‌ها گفت که هر کسی بی‌خودی بخندد یا شوخی و کارهای بد دیگر بگرداند باید تنبیه گردانیده شود و هیچ‌کس حق ندارد فیلم و امپی‌تری و ماهواره به مدرسه بیاورد و کیف‌ها را باید گشت و موها را تراشید. خلاصه آنقدر داد بیداد گردانید که حسایی ترسیده گشتیم.

بعد که آقای ناظم رفت، اولین کسی که دیدیم همین اکبرزاده بود که آلن ته کلاس ما می‌نشیند، اما در آن زمان که ما کلاس اول بودیم او کلاس سوم بود و هنوز سبیل نداشت. اکبرزاده غش‌غش به ما خندید و گفت: «بچه‌ننه رو نیومده خودشو خیس گردانید» و ما متوجه گردانیدندیم که سیخ ایستاده‌ایم و گلاب به روی‌تان، شلوارمان از ترس خیس گردیده. آنها خیلی ما را مسخره نمودند و هل دادند و از کیف‌مان یک فقره موز را که مامان‌مان داده بود برداشتند و خوردند و رفتند. نزدیک بود گریه بگردانیم که اینجا دیگر چه دیوانه‌خانه‌ای می‌باشد که قسمت ما شده و ما چه‌قدر بدبخت‌می‌باشیم...

اما بعدش یک بوی خوبی آمد و دیدیم یک فقره هم‌شاگردی دیگر جلوی‌مان است که لیخند می‌زند و یک فقره گل سرخ هم در دستش می‌باشد. او گفت: «این‌ها را ول‌شان کن؛ این‌ها قربانی‌اند؛ باید به حال‌شان غصه خورد؛ بابا‌هاهم گفتمان بگردانیم.» و ما نفهمیدیم منظورش چی بود. بعد یک فقره سب از کیفش راه آورد و با ما قسمت کرد و درباره مهربانی و مردم‌سالادی با ما جستارگشادی گرداند که ما یساز هم نمی‌فهمیدیم چه می‌گوید و فکر کردیم می‌خواهد گل را هم به ما بدهد، ولی بعد رفت تا گل را به معلم‌مان بدهد و ما تنها ماندیم، و آلان هم که کلاس چهارمیم حرف‌های خاتم‌آبادی را نمی‌فهمیم، ولی بوی گلش هنوز توی دماغ‌مان می‌باشد.

.....

بعد از خاتم‌آبادی، باز یاد شلوار خیس‌مان افتادیم و داشتیم تنهایی غصه می‌خوردیم که دیدیم در آن طرف حیاط یک پسرکی که همین پورساحلی خودمان بود، چندتا از شاگرد‌ها را جمع کرده و برایشان جوک و حرف‌های عجیب تعریف می‌گرداند. پورساحلی اول درباره مثلث برمودا و سفری که با خاله‌اش به فضا رفته حرف زد و چشم‌های بچه‌ها گرد گردید. بعد چندتا جوک تعریف نمود و بچه‌ها حسایی خنده گردانند و بعد او با دهانش آهنگ‌های امپی‌تری گریانید و خودش هم حرکات مزورن خنده‌دار نمود و بقیه هم شروع کردند به خوشحالی کردن و جفتک انداختن و دفترا و کتاب‌های خود را به هوا پرتاب می‌کردند تا ذوق بگردانند و به همدیگر جفتک می‌انداختند و مثل دیوانه‌ها روی کول هم می‌پریدند.

و بدین ترتیب روز اول مدرسه با همین کار‌ها خیلی زود گذشت و جا دارد دست‌اندرکاران وقت آن را بیش‌تر بگردانند؛ هرچند که همه این چهار کلاس همین‌جوری گذشتند. بنابراین اولین روز مدرسه ما بهترین اولین روز مدرسه دنیا می‌باشد و جا دارد که بدسته مدیریت آن را به همه‌مدرسه‌ها بفرستاییم.

پورش از اخبار

اکران نسخه کامل فیلم «بن‌هور»

■ ایستنا: نسخه‌بازسازی‌شده و کامل فیلم «بن‌هور»، اثر ماندگار «ولیم‌وایلر» به مناسبت پنجاهمین سال اکران این فیلم، به نمایش گذاشته می‌شود. کمپانی برادران وارنر قصد دارد، به مناسبت پنجاهمین سال اکران فیلم «بن‌هور»، برنده ۱۱ جایزه اسکار، نسخه بلوری آن را که شامل سکانس‌های نمایش داده نشده است از عرضه کند. «بن‌هور» محصول ۱۹۵۹ اقتباسی از رمانی به همین‌نام نوشته «لیو والاس» است که «چارلتون هستون» در آن نقش اصلی را بازی می‌کند. به گزارش روزنامه لس‌آنجلس تایمز، این فیلم برنده ۱۱ جایزه اسکار شد. سرسینمای «ولیم‌وایلر» که مطمئناً برجسته‌ترین اثر سینمایی اوست، رکورد کسب تعداد جوایز اسکار را تا سال ۱۹۹۷ که توسط فیلم «ای‌تایک» شکسته شد، حفظ کرد. «وایلر» برای این فیلم سومین اسکار بهترین کارگردانی را نیز به‌دست آورد.